

بازشناسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت و خاطره جمعی در فضاهای شهری پیرامون پل‌های تاریخی*

عباس ترکاشوند^۱، حیدر جهانبخش^۲، مریم کریمی نژاد^۳ (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۰

چکیده

تغییر و تحولات زندگی در شهرهای امروزی، موجب کم رنگ شدن و یا از دست رفتن بسیاری از فضاهای شهری و عملکردهای اجتماعی و فرهنگی آن‌ها شده است. تغییراتی که اغلب، احساس عدم تعلق، بی‌هویتی و عدم مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی را به دنبال دارد. حال آن‌که، هویت شهری که زمینه‌ساز تشخیص و اعتبار شهروندان می‌شود، از طریق تداعی خاطرات و ایجاد حس تعلق در آن‌ها، پیوند شهر و شهروندان را تقویت نموده، آن‌ها را به سوی ویژگی‌های ممتاز اجتماعی هدایت می‌کند. یکی از راه‌های تحقق این مهم، بهره‌گیری از ظرفیت بناهای خاطره‌انگیز و تاریخی شهرهاست. بر این اساس، هدف از این پژوهش امکان‌سنجی ارتقای کیفیت فضای شهری پیرامون پل‌های تاریخی با تأکید بر مؤلفه‌های هویت و خاطره جمعی شهروندان می‌باشد. در پژوهش حاضر، فضای شهری اطراف پل تاریخی لنگرود به عنوان نمونه موردی مطالعه شده و مؤلفه‌های ایجاد خاطره جمعی و هویت برای شهروندان لنگرودی، در خلال یک پیمایش میدانی، بازشناسی شده است. برای این منظور از دو نوع پرسشنامه استفاده شد و اعتبار (پایایی) هر کدام از پرسشنامه‌ها با توجه به آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مؤلفه‌های معنا، کالبد و فعالیت به ترتیب بیشترین تأثیر را در ارتقای فضای شهری محدوده پل تاریخی لنگرود و ایجاد حس تعلق در شهروندان دارند. نتیجه نهایی پژوهش آن است که برنامه‌ریزی کالبدی محدوده پل‌های تاریخی شهرها می‌بایست برای تقویت فعالیت‌های مناسب اجتماعی و فرهنگی و معنا بخشیدن به شهر انجام پذیرد و نقش این عناصر ارزشمند در ایجاد فضای شهری خاطره‌انگیز و با هویت برای شهروندان بیش از یک بنای تاریخی است.

واژه‌های کلیدی:

خاطره جمعی، هویت شهری، حس مکان، پل تاریخی، شهر لنگرود.

۱. استادیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، Tarkashvand@iust.ac.ir

۲. استادیار، دانشگاه پیام نور، Jahanbakhsh@pnu.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی‌ارشد، گروه معماری، دانشگاه پیام نور تهران، mm.kariminejad@gmail.com

* این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی‌ارشد خانم مریم کریمی‌نژاد با عنوان "احیای فضای شهری پیرامون پل تاریخی شهر لنگرود با تکیه بر هویت و خاطره جمعی" است که به راهنمایی دکتر عباس ترکاشوند و مشاوره دکتر حیدر جهانبخش در دانشکده معماری دانشگاه پیام نور مرکز تهران شرق انجام شده است.

۱- مقدمه

در گذشته، فضای شهری نقش بسیار مهمی در زندگی فردی و جمعی مردم داشته است. به طوری که بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها از طریق تماس‌های چهره به چهره صورت می‌پذیرفت، این فضای شهری، بستر شکل‌گیری خاطره‌ها بوده است. فعالیت‌ها در فضای شهری و روابط مابین آن‌ها، تصویر ذهنی و سپس خاطره شهری را سبب می‌گردد. اما امروزه تغییر و تحولات کالبدی شهر، گاهی بستر شکل‌گیری خاطرات را محو می‌کنند. در این فرآیند، مناظر آشنا به سرعت تغییر کرده یا تخریب می‌شوند. بدین ترتیب نسل جدید، قادر نیستند در خاطرات دوران کودکی و نوجوانی والدین خود سهیم شوند. زیرا مکان بازی و زندگی آن‌ها دیگر وجود ندارد. در واقع، نسل جدید دارای خاطره جمعی مربوط به فضا نیستند. این تغییر یا تبدیل یا از میان رفتن فضاهای آشنا، حس گمگشتگی، بی‌ریشه بودن و از دست رفتن بخشی از زندگی در انسان بوجود خواهد آورد. در این صورت فرد احساس عدم تعلق به جامعه و عدم هویت می‌کند. از طرفی، وقتی مکان‌های مرجع را از بین می‌بریم، فضای شهری را از بین می‌بریم و وقتی چنین اتفاقی افتاد؛ نسل آتی هیچ صورت خیالی از شهر ندارد (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۸-۴).

در این میان اهمیت و ضرورت حفظ آثار کهن نه به عنوان پدیده‌های نمادین، بلکه به دلیل شناخت سیر تحول و تکامل تاریخ شهرسازی و تمدن شهرنشینی، حفظ هویت و اصالت شهری و تبیین حیات شهری بر اساس شواهد و مدارک علمی همواره مورد توجه بوده است (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۲۵). از این رو، یکی از ضروریات توجه به فضای شهری پیرامون پل‌های تاریخی علاوه بر اهمیت فرهنگی - تاریخی این پل‌ها، نقش آن‌ها در ایجاد و تقویت هویت شهری و تعلق مکانی ساکنین است. هم‌چنین بناهای تاریخی نشان دهنده تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، آداب و رسوم و معماری گذشتگان است و دارای ارزش فراوان می‌باشند و احیای آن‌ها برای جلوگیری از بی‌هویتی ساکنین شهر ضرورت دارد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر در نظر دارد به نقش پل‌های تاریخی و محدوده‌ی اطراف آن‌ها به عنوان فضاهای شهری مؤثر بر تقویت هویت و خاطره‌ی جمعی بپردازد. برای این منظور، ابتدا به تبیین نظری مقوله‌ی هویت و ارتباط آن با فضاهای شهری پرداخته و سپس، آن را در یک فضای شهری نمونه، مورد آزمون قرار داده است. در این پژوهش، محدوده‌ی پیرامون پل تاریخی لنگرود برای مطالعه انتخاب شده است. این محدوده اگرچه به دلیل قدمت فراوان و قرارگیری در مرکز شهر لنگرود نقش بسزایی

در هویت بخشی و ایجاد خاطرات جمعی داشته، اما در سال‌های اخیر دستخوش تغییراتی بوده که باعث از بین رفتن فضاهای آشنای شهری آن شده است. بر این اساس، فرضیه‌ی پژوهش حاضر را می‌توان به صورت زیر تبیین کرد: - فضاهای شهری اطراف پل‌های تاریخی، می‌توانند باعث تقویت هویت و خاطره جمعی شوند.

۲- مبانی و چارچوب نظری

در این بخش، ابتدا مفاهیم کلیدی بحث مورد بررسی قرار گرفته و در انتها تلاش شده است تا ارتباط میان آن‌ها، تبیین شود.

۲-۱- هویت

در لغت نامه دهخدا هویت چنین تعریف شده است: «هویت عبارتست از تشخیص که گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌شود و گاه بر ماهیت با تشخیص که عبارت از حقیقت جزئی است. هویت مرتبه ذات ناب را گویند و مرتبه احدیت و لاهوت اشارات است از آن» (دهخدا، ۱۳۳۷: ۳۴۹) در فرهنگ معین، هویت به ذات باری تعالی، هستی، وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد معنی شده است و در تعریفی آمده است: «هویت عبارت از حقیقت جزئی است. یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار شود و گاه به معنای وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت گاه به ذات و گاه بالعرض است» (معین، ۱۳۷۸: ۵۲۲۸).

لینچ در کتاب تئوری شکل شهر هویت را اینگونه تعریف می‌کند: هویت یعنی «معنی یک محل»، هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکان‌ها شناخته و یا بازشناسی نماید به طوری که شخصیتی مشخص، بی‌ظنیر، یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۶۸). هویت مکان به عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان، بیشتر متوجه ارضای ذهنی و عاطفی بشر است تا نیازهایی که مستقیماً با جسم او در ارتباط باشند. هویت مکان از ارزش‌های فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان، عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (Relph, 1976). در حوزه‌ی شهرسازی و معماری، هویت را می‌توان در بازشناسی عناصر معماری و شهرسازی و ماندگارسازی بناها و فضاهای باقی مانده از گذشته، با زنده‌سازی و بازآفرینی عناصر گوناگون با توجه به نیازهای درحال تحول انسان دانست. بدین ترتیب، هویت شهری، پیوستاری کمی و کیفی، ذهنی و عینی، ماده و معنی، نمادین و غیرنمادین، دارای بُعد زمانی و مکانی، قابلیت و قدرت دعوت‌کنندگی و تشخیص بخش محیط در ابعاد

سکونت در شهر، عامل تقویت خاطرات جمعی است. خاطره ممکن است جمعی یا فردی باشد. هرچه تعداد افرادی که قادر به یادآوری خاطره هستند، افزایش یابد، خاطره از قلمرو فردی خارج شده و به حوزه جمعی وارد می‌شود (Lewicka, 2008). بدین ترتیب، رویدادها و تعاملات انسان است که فضا را خاطره‌انگیز کرده و هم پیوند با تجارب پیشین و آتی او قرار می‌گیرد و در این حالت است که پدیده‌ای به نام خاطره جمعی شکل می‌گیرد که در گذر زمان در ذهن شهروندان مانده و جزئی از هویت مشترک جامعه خواهد شد (اسمعیلیان، ۱۳۹۰: ۱۸۲). در واقع، فضاهای شهری با تبدیل شدن به فضاهای خاطره‌انگیز تصویری ماندگار از خود در ذهن ما به جا می‌گذارند.

۲-۳- کارکرد پل‌ها در فضای شهری

کارکرد پل‌ها در فضای شهری را می‌توان به سه دسته کارکرد ارتباطی، کارکرد اجتماعی و کارکرد تاسیساتی تقسیم کرد.

کارکرد ارتباطی پل‌ها: بعضی از رودخانه‌ها، علاوه بر آن که آب مصرفی شهر و زمین‌های کشاورزی را تأمین می‌کردند، کارکرد ارتباطی نیز داشتند و مردم برای جابه‌جایی از مکانی به مکان دیگر، از آن‌ها استفاده می‌کردند. پل‌ها نیز عناصر ارتباطی بودند که برای عبور از روی رودخانه مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بیشتر پل‌ها تنها دارای همین کارکرد بودند.

کارکرد اجتماعی پل‌ها: معمولاً مردم در قسمت‌هایی از رودخانه که موقعیت مناسبی برای گذران اوقات فراغت داشت، تجمع می‌کردند و وقت خود را به شنا و تفریح می‌گذراندند. همچنین غالباً در کنار پل‌های واقع در همین بخش از رودخانه یا مکان‌های دیگری که محل‌های پرتدد بودند و به خصوص در امتداد راه‌های مهم و دروازه‌های اصلی قرار داشتند، یک فضای شهری شکل می‌گرفت که محل تجمع مردم برای کار یا تفریح به شمار می‌رفت. فضاهای مجاور رودخانه و پل دزفول و فضاهای مجاور زاینده رود و پل خواجه و سی و سه پل در اصفهان نمونه‌های این نوع پل‌ها هستند.

کارکرد تاسیساتی پل‌ها: برخی از پل‌ها را به گونه‌ای می‌ساختند که در مواقع معین بتوانند آب را پشت آن جمع و ذخیره کنند تا برای آبیاری مزارع و باغ‌ها از آن‌ها استفاده کنند. بعضی از این پل‌ها را که کارکرد یک بند یا آبگیر را داشتند شادروان می‌خواندند مانند شادروان شوشتر و پل خواجه در اصفهان (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۸۹-۱۸۶). از آن جایی که پل خشتی لنگرود محل اتصال بافت قدیم و جدید

گوناگونی است که افراد تعلقات خاصی به آن دارند و برای به کار بستن آن کوشش می‌کنند و با توجه به غیر، قدرت بروز و ظهور آن دارند؛ در زمان حال و گذشته ریشه دارد و در آینده به اشکال گوناگونی پدیدار می‌شود (سفر دوست، ۱۳۸۴: ۲۸۶).

۲-۲- خاطره جمعی

لغت‌نامه دهخدا، خاطره را «اموری که بر شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد، گذشته‌های آدمی. وقایع گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده است، پدیده‌های گذشته یا شنیده‌های گذشته» تعریف می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۳). لغت نامه آکسفورد، خاطره را این‌گونه تعریف کرده است: «قدرت انباشت اطلاعات در ذهن خودآگاه و توانایی به یادآوردن آن‌ها به صورت ارادی؛ ذخیره‌ی تجارب گذشته برای کاربرد در آینده» (Oxford, 1994: 530) براساس تعاریف لغوی ارائه شده، خاطره، به یادآوردن وقایع و رویدادهای گذشته به وسیله فرد از طریق به یادآوردن افراد، اشیا، مکان‌ها و تجربیات است.

عبارت خاطره جمعی، برای نخستین بار توسط موریس هالبواکس جامعه‌شناس فرانسوی مطرح شد. وی خاطره‌ی جمعی را یک ظرفیت فردی روانشناختی می‌داند که به طور اجتماعی بروز می‌یابد. پایه‌ی شکل‌گیری تفکر او، نشان دادن تضادی میان خاطره فردی و جمعی است. به عقیده‌ی هالبواکس، خاطره فردی، خاطره از چیزهایی است که شخص خود، در طول زندگی تجربه کرده و می‌تواند به خاطر بیاورد. اما خاطرات جمعی، دامنه این خاطرات را به جهانی که از تجربه شخصی تجاوز می‌کند، گسترش می‌دهد. این‌ها هنوز چیزهایی هستند که شخص به یاد می‌آورد، حقایق درباره‌ی کسی یا چیزی که در مکانی که شخص قرار گرفته، در تاریخی مشخص قبل از تولد شخص رخ داده است (Halbwachs, 1980: 50-52). از دیدگاه هالبواکس، خاطره جمعی، خاطره همیشگی یک گروه و به یادآوری گزینشی و توافق شده میان اعضای آن گروه و از این نظر چیزی شبیه اسطوره است. از دیدگاه او، خاطره جمعی برای شکل‌گیری تصویری که یک گروه از خود دارد، ضروری است و بنابراین باید به طور پیوسته برای سازگاری با وضعیت تاریخی تغییر یابد (Eyerman, 2002: 7). ماهیت اجتماعی خاطره، ارتباط آن با فضاهای عمومی شهر را آشکار می‌کند. شکل‌گیری خاطرات، در قلمرو سکونتگاه جمعی ماهیت اجتماعی دارند، بستر شکل‌گیری آن‌ها نیز باید محل تعامل اجتماعی (یعنی شهر) باشد. از سوی دیگر، خاطرات جمعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. در این صورت، سابقه‌ی

شهر بوده است کارکرد ارتباطی برجسته‌ای داشته است. همچنین این پل در گذشته محل تجمع مردم برای برگزاری مناسبت‌های مختلف، تماشای رودخانه شهر، شنا وقایق سواری بوده است. بنابراین این پل دارای کارکرد اجتماعی بوده که امروزه کمرنگ شده است.

۲-۴- تبیین مؤلفه‌های ساخت مکان

بررسی نظرات مختلف و مشابهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها نشان می‌دهد برای حفظ و ارتقای هویت و خاطره جمعی در فضای شهری به مدلی نیاز داریم که دربرگیرنده همه ابعاد فضای شهری و زمینه ساز ارتقای کیفیت رابطه‌ی مردم با محیط شهری باشد. یکی از تأثیرگذارترین پژوهش‌ها در راستای تبیین مؤلفه‌های ارتباط شهروندان و محیط شهری، مدل روانشناسی مکان کانتر است (Canter, 1977). کانتر با ارائه مدل مکان، سه مؤلفه مشخصات کالبد، فعالیت و معنا (مفهوم) را ابعاد اصلی هرگونه پژوهش در زمینه ارتقای کیفیت رابطه مردم و محیط شهری معرفی می‌کند. وضعیت کالبدی به عنوان ظرف زندگی هر روزه با فعالیت به عنوان هرآنچه در این ظرف کالبدی تجربه می‌شود و معنا به عنوان علت واقع شدن این فعالیت‌ها معرفی می‌شود که تغییر هر یک از این‌ها بر دیگر ابعاد مؤثر است و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه بایستی هر سه جنبه را لحاظ نمایند. جذابیت و کارایی مدل "کانتر" باعث شده است تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از مدل مزبور ارائه نمایند. به طور مثال، مدل "حس مکان"، "جان پانتر" را که بر بودن مؤلفه‌های دخیل در خلق حس مکان دلالت دارد و در سال ۱۹۹۱ مطرح شد، می‌توان از روایت‌های فرعی مدل "کانتر" دانست (گلکار، ۱۳۷۹: ۳۲-۳۱). جان پانتر حس مکان را دارای ابعاد کالبدی، فعالیت و ادراکی می‌داند که مجموعه‌ی این‌ها، زمینه‌های کیفی‌اند و سازنده جوهره و ذات هویت و این ملاحظات، مجموعه مفاهیمی هستند که مردم برای بیان معنی از محیط و فضای شهری ارائه می‌دهند. بر این اساس وی ابعاد سازنده هویت برای مکان را مشتمل بر مجموعه‌ای از مفاهیم و کیفیت‌های فیزیکی، رفتاری و ادراکی می‌داند و خصلت‌های فیزیکی و سیمای شهر را تنها معرف بخشی از هویت مکان می‌شناسد (Punter, 1977). در کنار رویکردهای پدیدارشناسی و انتقادی، عده‌ای دیگر همچون مونت گومری تلاش کردند تا با مطالعه‌ی مکان‌های موفق به شناسایی عواملی بپردازند که می‌توانند، مکانی موفق خلق کنند، به عبارتی با رویکردی اثباتی تلاش کردند تا مفهوم مکان و حس مکان را از صورت تجربه‌ی شخصی و ذهنی خارج

کرده و قابلیت تعمیم‌پذیری به آن دهند. مونت گومری می‌گوید: «این که چرا یک مکان موفق است و چگونه می‌توان این موفقیت را ایجاد کرد بسیار دشوار است». در حالی که معانی مکان، ریشه در خصوصیات کالبدی و فعالیت‌های وابسته بدان دارد، ولی آن‌ها خصوصیات کالبدی مکان را شکل نمی‌دهند؛ بلکه مقاصد و تجربیات انسانی هستند که خصوصیات مکان را شکل می‌دهند. بنابراین آن چه را که محیط ارائه می‌دهد، عملکردی است که عمل ارزنده خود ما آن را شکل می‌دهد. از نظر نوربرگ شولتز، حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و این شخصیت مشخص از چیزهای ملموس که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ هستند، ساخته شده است (Schuls, 1977).

۲-۵- مدل نظری: هویت، خاطره جمعی و مکان

مکان با ساختار فرم و عملکرد که در آن رخ می‌دهد تعریف مادی پیدا می‌کند و با شکل گرفتن تصویر و خاطره آن در ذهن انسان و در طول زمان معنا و روح می‌کند (سادات حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۹). شولتز نیز مکان را فضای احساس و درک شده و با خاطره عجین شده تلقی می‌کند و بخشی از معنای مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جست‌وجو می‌نماید. برای او مکان همان فضای زنده است (شولتز، ۱۳۸۳: ۷۳). می‌دانیم خاطره جمعی، خاطره مشترک افراد از وقایع و رویدادهای تجربه شده به وسیله‌ی آن‌ها، به عنوان عضوی از گروه در چارچوبی اجتماعی فضایی است و مکان چارچوب فضایی وقوع رویداد و شکل‌گیری و تداوم خاطره است. مکان بخشی از فضا است که توسط حضور شخص یا چیزی بار معنایی ویژه‌ای به خود می‌گیرد؛ به بیان دیگر مکان ترکیبی است از خاطره، تجارب حسی و روایت‌ها است (Tschumi, 1994). از نظر رلف نیز عوامل فیزیکی، فعالیت‌ها و معانی، سه عامل اصلی تشکیل دهنده هویت مکان‌ها می‌باشد. دو عنصر اول از این عوامل را شاید بتوان به آسانی درک کرد، اما عنصر مهم معنا بسیار دشوارتر فهمیده می‌شود. معانی مکان‌ها ممکن است ریشه در چیدمان فیزیکی اشیاء و فعالیت‌ها داشته باشد ولی معانی تنها محصول این عوامل نیستند، بلکه انتظارات اولیه، تجربیات، نیات و مقاصد انسان‌ها به عنوان ناظر و استفاده کننده نقش عمده‌ای دارد (Relph, 1976). حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط

مصنوع است. در بعد طبیعی کالبد، به رودخانه و فضای سبز (بهزادفر، ۱۳۸۶، ۵۶-۵۴) و در بعد مصنوع، به مبلمان شهری، فرم‌های ساختمانی، نفوذپذیری، صدا و بو، به عنوان مؤلفه‌های مؤثر بر رابطه‌ی انسان و محیط، اشاره شده است (Montgomery, 1998). همچنین، فعالیت نیز به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های شکل‌دهنده به مکان، خود مشتمل بر انواع اجباری، اجتماعی و انتخابی است. فعالیت‌های اجباری، مشتمل بر فعالیت‌های ضروری و حیاتی است (Gehl, 1987). از جمله فعالیت‌های اجتماعی، می‌توان به دیدار با همسایگان و آشنایان (Gehl, 1987) و برگزاری مراسم و جشن‌ها (1975 Pps) اشاره کرد. فعالیت‌های انتخابی، که از آن‌ها به عنوان فعالیت‌های تفریحی نیز نام برده می‌شود، شامل تماشای مردم (Punter, 1991) و فعالیت‌های تفریحی (Gehl, 1987) است. در نهایت، معنا، به عنوان سومین مؤلفه‌ی شکل‌دهنده‌ی به مکان، مشتمل است بر جاذبه‌ها، خوانایی، نمادها و نشانه‌ها (Montgomery, 1998)، ارزش‌ها، آداب و رسوم و اعتقادات (Pps, 1975) و مناسبات فرهنگی (Punter, 1991). بدین ترتیب، مؤلفه‌ها مؤثر بر شکل‌گیری مکان، مطابق جدول ۱، قابل ارائه است. در مرحله‌ی بعد، لازم است تأثیر هر کدام از این مؤلفه‌ها بر میزان حس تعلق شهروندان مورد ارزیابی قرار بگیرد. برای این منظور، پیمایشی میدانی صورت گرفته است.

قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. حس مکان علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دست یابی به هویت برای افراد می‌شود. مکان‌ها نقش حیاتی در توسعه و حفظ هویت گروهی مردم بازی می‌کنند (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۷).

لینچ حس مکان را عاملی می‌داند که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت بوجود می‌آورد. او اعتقاد دارد که فضا باید هویت قابل ادراکی داشته و قابلیت شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان می‌تواند احساس تعلق نیز به همراه داشته باشد (لینچ، ۱۳۷۶).

بدین ترتیب، بر اساس رابطه‌ی میان هویت، خاطره جمعی و حس مکان، می‌توان گفت که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری خاطرات جمعی و هویت را می‌توان در مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی به مکان، از جمله کالبد، فعالیت و معنا، جست و جو کرد. در واقع، طراحی یک مکان با هویت خاص خود، نیازمند دانستن نوع رابطه انسان‌ها با مکان خویش است. کالبد، خود مشتمل بر دو وجه طبیعی و

جدول ۱: مؤلفه‌های ایجاد خاطره جمعی و هویت مکان (منبع: نگارندگان)

طبیعی	مصنوع	اجباری	اجتماعی	انتخابی (تفریحی)	معنا
توجه به رودخانه، افزایش فضای سبز (بهزادفر، ۱۳۸۶، ۵۶-۵۴)	مبلمان شهری، فرم‌های ساختمانی، نفوذ پذیری، صدا و بو (Montgomery, 1998)	فعالیت‌های ضروری و حیاتی (Gehl, 1987)	دیدار با همسایگان و آشنایان (Gehl, 1987)	برگزاری مراسم و جشن‌ها (Pps, 1975)	تماشای مردم (Punter, 1991)
				فعالیت‌های تفریحی (Gehl, 1987)	جاذبه‌ها، خوانایی، نمادها و نشانه‌ها (Montgomery, 1998)
					ارزش‌ها، آداب و رسوم و اعتقادات (Pps, 1975)
					مناسبات فرهنگی (Punter, 1991)

۳- پژوهش میدانی

در محدوده‌ی پژوهش و همچنین، بررسی نظرات صاحب‌نظران، مؤلفه‌هایی برای هر کدام از سه عامل کالبد، فعالیت و معنا تبیین شدند. سپس، با توجه به این مؤلفه‌ها پرسش‌نامه‌ای با ۱۴ گویه در قالب درجه بندی لیکرت^۱ تهیه

در این پژوهش ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به تدوین چارچوب نظری پژوهش و مؤلفه‌های مؤثر به هویت مکان پرداخته شد. سپس با مشاهده مستقیم پژوهش‌گران

تمامی افراد باشد. مقیاس اندازه‌گیری نگرش پاسخ دهنده‌ها در پرسش‌نامه، مقیاس لیکرت می‌باشد، که به صورت پنج درجه‌ای (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) به سوال‌ها پاسخ داده می‌شود. برای کمی‌سازی پاسخ‌ها به درجه‌بندی‌ها از پنج تا یک نمره داده می‌شود. حاصل جمع عددی این درجه‌ها نمره‌ی آزمودنی را در این مقیاس به دست می‌دهد. برای تعیین روایی پرسش‌نامه طرح اولیه‌ی پرسش‌نامه تهیه گردید و توسط اساتید و متخصصین مورد بررسی قرار گرفت که در نتیجه مواردی جهت اصلاح پیشنهاد گردید و پس از اعمال اصلاحات مورد نظر پرسش‌نامه‌ی نهایی تدوین گردید. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه ضریب آلفای کرونباخ^۳ پرسش‌نامه‌ها محاسبه شد، از آن جایی که عدد مبنا برای ضریب آلفای کرونباخ ۰.۷ می‌باشد و این ضریب برای هر دو پرسش‌نامه حس تعلق و خاطرات جمعی بزرگتر از ۷ است، هر دو پرسش‌نامه از پایایی مناسبی برخوردار می‌باشند (جدول ۲). هم‌چنین برای تحلیل اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه‌ها از نرم‌افزار Spss^۴ استفاده شده است.

و توزیع شد. متغیرهای موجود در تحقیق عبارتست از مؤلفه‌های ایجاد خاطره جمعی و هویت مکان به عنوان متغیر مستقل و حس تعلق به عنوان متغیر وابسته. برای سنجش وضعیت فعلی و میزان حس تعلق به مکان به عنوان متغیر وابسته در محدوده مورد مطالعه، پرسشنامه استاندارد حس تعلق و دلبستگی به مکان شامل سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری، با ۲۲ گویه در قالب درجه‌بندی لیکرت به صورت جداگانه در اختیار کاربران قرار گرفت. سپس از طریق آزمون همبستگی اسپیرمن میزان همبستگی میان هر کدام از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری خاطرات جمعی و هویت با میزان حس تعلق شهروندان سنجیده شد. در این پژوهش برای نمونه‌گیری از جدول مورگان^۲ استفاده شده است. در این جدول به ازای مقادیر مختلف از اندازه‌های جامعه با استفاده از فرمول کوکران نمونه را برآورد کرده‌اند. حجم نمونه‌ی مورد مطالعه در پژوهش حاضر، ۱۰۸ نفر است و سعی بر این بوده که نمونه‌گیری به صورت تصادفی و در ساعات مختلف شبانه روز صورت گیرد تا بازتاب دهنده نظر

جدول ۲: ضریب آلفای کرونباخ (منبع: نگارندگان)

پرسش‌نامه	تعداد سوالات	ضریب آلفا
مؤلفه‌های ایجاد خاطره جمعی و هویت مکان	۱۴	۰,۷۴۴
سنجش میزان حس تعلق کاربران به محدوده	۲۲	۰,۹۵۰

۳-۱- محدوده مورد پژوهش

فضای شهری اطراف پل تاریخی (پل خشتی) لنگرود به عنوان محدوده پژوهش انتخاب شده است (نقشه ۱). پل خشتی لنگرود که از آجر و ساروج ساخته شده است، به‌عنوان معروف ترین بنای تاریخی و نماد شهر لنگرود یاد می‌شود (شکل ۱). این پل تاریخی بر روی رودخانه لنگرود ساخته شده است. این پل، معبر ارتباط قدیمی شرق و غرب شهر بوده است رودخانه‌ی لنگرود در گذشته به عنوان مسیری قایق‌رو به وسیله‌ی قایق‌های بادبانی کوچک و لوتکاها استفاده می‌شده است. شهر لنگرود در گذشته از قطب‌های تجاری استان گیلان بوده است. امروزه به دلیل بی‌توجهی به فضای شهری اطراف این پل و از بین رفتن فضاهای آشنای شهری این پل تاریخی با ارزش در معرض نابودی قرار گرفته است. شهر لنگرود یکی از شهرهای سرسبز و تاریخی استان گیلان می‌باشد؛ در سال‌های اخیر دستخوش تغییراتی شده است که باعث از بین رفتن فضاهای آشنای شهری آن شده است. در گذشته، در اطراف رود و پل تاریخی لنگرود، محل قرارگیری بازارچه‌های محلی بود و نه تنها ساکنین بلکه مردم شهرهای

دیگر برای خرید روزمره و تماشای منظره زیبای رودخانه، ساعاتی را در مرکز شهر می‌گذرانند و با هم به گفت و گو می‌پرداختند. هم‌اکنون، محوطه‌ی میان میدان شهر و پل تاریخی لنگرود، به محلی برای پارک کردن ماشین‌ها تبدیل شده که باعث پنهان شدن تصویر زیبای رودخانه و از میان رفتن بازارچه‌های محلی شده است. عدم وجود فضاهایی مناسب برای تبادلات و تعاملات اجتماعی و فضاهایی برای مکث، تامل و فاصله گرفتن از ترافیک عبوری به چشم می‌آید (شکل ۲). از طرفی تعدادی از ساختمان‌های اطراف این محدوده کاربری خود را از دست داده و رها شده‌اند مردم روزانه به این مکان مراجعه می‌کنند بدون اینکه به بافت زیبا و قدیمی اطراف پل و رودخانه که روزی تداعی بخش خاطرات جمعی مردم شهر بود نگاهی بیندازند. بنابراین با از میان رفتن کاربری‌ها، فضاهایی که زمینه‌ی شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را در این منطقه فراهم می‌کرد وجود نخواهند داشت. این اتفاق ممکن است باعث عدم احساس عدم تعلق ساکنان به شهر خود و حتی از بین رفتن هویت شهری گردد.



نقشه ۱. محدوده مورد مطالعه



شکل ۲. فضای پیرامون پل خشتی



شکل ۱. پل خشتی لنگرود

۴- یافته‌های پژوهش

به منظور جمع‌آوری اطلاعات ۱۰۸ نفر از کاربران محدوده انتخاب شدند، از تعداد پاسخ‌دهندگان، ۵۴ نفر مرد (۵۰ درصد) و ۵۰ نفر زن (۴۶/۳ درصد) می‌باشند و ۴ نفر (۳/۴۷ درصد) به این سؤال پاسخ ندادند. پاسخ‌گویان به بازه‌های سنی کمتر از ۲۰، ۲۰-۳۰، ۳۰-۴۰، ۴۰-۵۰ و بالای ۵۰ سال تقسیم‌بندی شدند که بیش‌ترین فراوانی مربوط به سنین ۲۰-۳۰ سال می‌باشد (جدول ۳).

همچنین از میان پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه ۶۴ نفر در محدوده مورد مطالعه ساکن بودند و بقیه آن‌ها را شاغلین و رهگذران تشکیل می‌دادند (جدول ۴).

جدول ۴: نوع ارتباط پاسخ‌دهندگان با محدوده (منبع: نگارندگان)

متغیر	سطوح متغیر	تعداد	درصد
نوع ارتباط با محدوده	ساکن	۶۴	۵۹,۳
	شاغل	۲۰	۱۸,۵
بی‌پاسخ	رهگذر	۲۱	۱۹,۴
	بی‌پاسخ	۳	۲,۸

در پژوهش حاضر ارتباط حس تعلق با تک تک مولفه‌های تأثیرگذار بر خاطرات جمعی و هویت به طور مجزا بررسی شده است و مشاهدات مربوط به این مؤلفه‌ها از نوع رتبه‌ای می‌باشد، لذا از ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن^۵ برای بررسی این ارتباط استفاده می‌شود. هرگاه داده‌ها بصورت رتبه‌ای جمع‌آوری شده باشند یا به رتبه تبدیل شده باشند، می‌توان از همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن یا P اسپیرمن استفاده کرد. نحوه همبستگی و ارتباط دو متغیر دارای اهمیت می‌باشد و از این راه می‌توان یکی از این دو متغیر را کنترل یا پیش‌بینی کرد. برای سنجش این نوع همبستگی ضرائب گوناگون به کار می‌روند. که یکی از آن‌ها ضریب همبستگی اسپیرمن می‌باشد که یکی از روش‌های ناپارامتریک است (بهبودیان، ۱۳۸۳: ۱۴۵). با توجه به نتایج بدست آمده بین حس تعلق و مولفه‌های «مناسب

جدول ۳: سن پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه (منبع: نگارندگان)

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد
سن	<۲۰	۱۲	۱۱/۱
	۲۰-۳۰	۴۳	۳۹/۸
	۳۰-۴۰	۳۲	۲۹/۶
	۴۰-۵۰	۱۲	۱۱/۱
بی‌پاسخ	>۵۰	۵	۴/۶
	بی‌پاسخ	۴	۳/۷

بودن مبلمان شهری» و «عدم وجود صدای مزاحم» از بعد کالبد حداقل در سطح خطای ۰/۱، رابطه معناداری وجود دارد (Sig.<0.1). و ارتباط سایر مؤلفه‌های کالبد با حس تعلق تأیید نمی‌شود. (جدول ۵).

جدول ۵: سطح معناداری مؤلفه‌های کالبد (منبع: نگارندگان)

مؤلفه‌های کالبد	فضای سبز	رودخانه	مبلمان شهری	فرم ساختمان	نفوذپذیری	عدم وجود صدای مزاحم
ضریب همبستگی	۰/۰۸۴	۰/۰۲۵	۰/۱۶۸	۰/۰۵۳	-۰/۰۹۹	۰/۳۶۷
سطح معناداری	۰/۳۹۴	۰/۸۰۱	۰/۰۸۴	۰/۵۹۰	۰/۳۱۱	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل پرسش‌نامه بین حس تعلق و مؤلفه «برگزاری جشن‌ها و مراسم محلی» از بعد فعالیت در سطح خطای ۰/۰۵، رابطه معناداری وجود دارد (Sig.<0.05) و ارتباط سایر مؤلفه‌های فعالیت با حس تعلق تأیید نمی‌شود (جدول ۶).

جدول ۶: سطح معناداری مؤلفه‌های فعالیت (منبع: نگارندگان)

مؤلفه‌های فعالیت	ملاقات کردن	جشن‌ها و مراسم	اوقات فراغت	تماشای مردم
ضریب همبستگی	۰/۰۵۴	۰/۲۴۰	۰/۰۰۶	۰/۰۴۵
سطح معناداری	۰/۵۸۳	۰/۰۱۴	۰/۹۵۲	۰/۶۵۰

مؤلفه‌های معنا شامل جاذبه‌های گردشگری، نشانه و نمادهایی از فرهنگ شهر، میزان به یادسپاری فضاها توسط شخص (خوانایی) و نمایش آداب رسوم می‌باشد. با توجه به نتایج بدست آمده بین حس تعلق و تمام مؤلفه‌های بعد معنا در سطح خطای ۰/۰۵، رابطه معناداری وجود دارد (Sig.<0.05) (جدول ۷).

جدول ۷: سطح معناداری مؤلفه‌های معنا (منبع: نگارندگان)

مؤلفه‌های معنا	جاذبه‌های گردشگری	نشانه‌های فرهنگ	خوانایی	آداب و رسوم
ضریب همبستگی	۰/۴۲۳	۰/۳۵۰	۰/۲۰۸	۰/۳۲۹
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۳	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج بدست آمده از یافته‌های آماری و بررسی رابطه همبستگی میان مؤلفه‌های حس مکان به عنوان عوامل تقویت کننده خاطره جمعی و هویت مکان و میزان حس تعلق کاربران محدوده مورد مطالعه، می‌توان دریافت که در بین مؤلفه‌های کالبد، مبلمان شهری مناسب و عدم وجود صدا و بوی مزاحم بیشترین همبستگی را با ایجاد حس تعلق داشتند. در میان مؤلفه‌های فعالیت برگزاری مراسم و جشن‌های محلی رابطه‌ی معناداری با ایجاد حس تعلق در جمعیت پاسخ‌دهنده داشته است. همچنین بین تمامی مؤلفه‌های معنا و ایجاد حس تعلق در ساکنین رابطه‌ی معنی داری وجود دارد. مؤلفه‌ی معنا بیش‌ترین تأثیر را در ایجاد فضای شهری خاطره‌انگیز در اطراف پل تاریخی لنگرود دارد. و پس از آن مؤلفه‌های کالبد و فعالیت به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را دارند (جدول ۸).

جدول ۸: جدول نوع همبستگی (منبع: نگارندگان)

مؤلفه	فرضیه	مقدار همبستگی	سطح معنی داری	نوع همبستگی
کالبد	مبلمان شهری مناسب	۰/۱۶۸	۰/۰۸۴	متوسط
	عدم وجود صدا و بوی مزاحم	۰/۳۶۷	۰/۰۰۰	قوی
فعالیت	برگزاری جشن‌ها و مراسم محلی	۰/۲۴۰	۰/۰۱۴	متوسط
	وجود جاذبه‌های گردشگری	۰/۴۲۳	۰/۰۰۰	قوی
معنا	نشانه‌هایی از فرهنگ جامعه	۰/۳۵۰	۰/۰۰۰	قوی
	خوانایی (به یادسپاری فضاها)	۰/۲۰۸	۰/۰۳۳	متوسط
	نمایش آداب و رسوم مردم شهر	۰/۳۲۹	۰/۰۰۱	قوی

۵- بحث و نتیجه‌گیری

حفظ و احیای بناها و محیط‌هایی که سابقه تاریخی و هویتی بومی دارند، منسوب به هر دوره تاریخی که باشند ضروری است و از جمله عناصر هویتی غرورآفرین و مبین ریشه و فرهنگ کهن برای شهروندان می‌باشد که می‌توان از آن جمله به خانه‌ها، مساجد، مدارس، کاروانسراها، کاخ‌ها، میادین و ... اشاره نمود که بسیاری از آن‌ها هنوز هم قابل استفاده و برای شهروندان و گردشگران پیاده می‌باشد. این‌ها مجموعاً قسمتی از هویت آن تمدن و اجتماع محسوب می‌شوند که هسته اصلی شکل‌گیری و رشد شهرهای کهن و تاریخی ما بر پایه همین عناصر فرهنگی و هویتی طرح‌ریزی شده است. در مکان‌هایی که این آثار از بین می‌روند، مردم احساس ناامنی می‌کنند و حس وابستگی به محیط در آن‌ها تضعیف می‌شود و رفته رفته حساسیت آن‌ها به کیفیت محیط و فضاهای شهری از بین خواهد رفت (تیبالدز، ۱۳۸۱). فضاهای قدیمی و تاریخی شهر تنها متعلق به ساکنان آن شهرها نیستند، بلکه با داشتن عناصر کالبدی ویژه و منحصر به فرد که از تاریخ و هویت پیشین به جا مانده‌اند، متعلق به مردم شهر و حتی کشور هستند. ایجاد فضاهای خاطره‌انگیز ضمن ارتقاء خاطره جمعی، باعث توجه ساکنین به مؤلفه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی شهر می‌شود بنابراین حس تعلق شهروندان به شهر افزایش می‌یابد و تمایل آن‌ها برای مشارکت در حل مسائل شهر بیشتر می‌شود. پل‌های تاریخی که علاوه بر کارکرد ارتباطی و تأسیساتی خود دارای کارکرد اجتماعی نیز بوده‌اند نقش بسزایی در هویت بخشی و ایجاد فضای شهری خاطره‌انگیز داشتند. امروزه با توجه به تغییر و تحولات کالبدی شهرها و تغییر روش زندگی، فضاهای شهری پیرامون پل‌ها نادیده گرفته می‌شود و این موضوع به تدریج موجب حذف این آثار تاریخی از چهره شهر خواهد شد. از آنجایی که پل تاریخی لنگرود روزگاری محل تجمع شهروندان بوده و تاریخچه‌ای از فرهنگ و هنر شهر است، نقش این عنصر ارزشمند در ایجاد فضای شهری خاطره‌انگیز و با هویت برای شهروندان بیش از یک بنای تاریخی است.

پی نوشت:

1. Likert Scale
2. Morgan Table
3. Cronbach's Alpha Coefficient
 - a. Statistical Package for Social Science^۴
 - b. Spearman Rank Correlation Coefficient

این پژوهش از طریق شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد و ارتقای هویت و خاطره جمعی و سنجش میزان اهمیت آن‌ها در میان شهروندان، به دنبال ارتقای فضای شهری پیرامون پل‌های تاریخی بود. یافته‌های حاصل از پیمایش میدانی انجام شده نشان می‌دهد که مؤلفه‌ی معنا بیش‌ترین تأثیر را در ایجاد حس تعلق در شهروندان و شکل‌گیری خاطرات جمعی و تداوم آن دارد. به طوری که همه زیر مؤلفه‌های آن با حس تعلق همبستگی داشتند. هر یک از این زیر مؤلفه‌ها نیز، خود دارای درجات اهمیت گوناگونی هستند. به عنوان مثال وجود جاذبه‌های گردشگری و نشانه‌هایی از فرهنگ جامعه بیش از سایرین بر شکل‌گیری خاطره تأثیرگذار هستند. مؤلفه‌های کالبد و فعالیت نیز به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بعد از مؤلفه‌ی معنا خواهند داشت. در فضاهای شهری امروزه با فقدان حس تعلق و دلبستگی مواجه هستیم، از آنجایی که مؤلفه کالبد در ایجاد سطوح اولیه حس مکان مؤثر است، توجه به مؤلفه‌های کالبدی حس مکان به تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز ما باشد، بنابراین برنامه‌ریزی کالبدی محدوده پل‌های تاریخی شهرها می‌بایست در جهت تقویت فعالیت‌های مناسب اجتماعی و فرهنگی و معنا بخشیدن به شهر باشد تا بتواند زمینه مشارکت شهروندان را فراهم آورد. بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان انتظار داشت هرچه میزان مؤلفه‌های تقویت‌کننده خاطرات جمعی و هویت مکان در فضای شهری اطراف بناهای تاریخی بیشتر باشد، میزان حس تعلق شهروندان به آن مکان بیش‌تر شده و این خود موجب احیای آن مکان و مشارکت بیش‌تر شهروندان خواهد شد. لذا انتظار می‌رود در پروژه‌های احیای بافت‌های تاریخی شهرها، از نظرات و دیدگاه‌های کاربران و مشارکت آن‌ها استفاده شود تا بتوان مکانی برای بروز فعالیت‌های اجتماعی، شکل‌گیری خاطرات جمعی و هویت بخشی به ساکنان ایجاد کرد. آنچه از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت تأثیر خاطرات جمعی و هویت مکان از طریق ایجاد حس مکان در ایجاد حس تعلق و ارتقای فضای شهری پیرامون بناهای تاریخی است.

فهرست منابع:

- اسمعیلیان، س. و رنجبر، ا. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی در فضاهاى عمومی شهری، نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۱۱، صص. ۱۹۴-۱۸۱.
- بهبودیان، جواد (۱۳۸۳). آمار ناپارامتری، شیراز، مرکز نشر دانشگاه شیراز، چاپ سوم.
- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶). هویت شهر: نگاهی به هویت شهر تهران، نشریه شهر، تهران.
- تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۷). شهرهای انسان محور، مترجم: حسن علی لقایى و فیروزه جدلی، تهران، دانشگاه تهران.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۳). شهر بی‌خاطره و شهر بی‌هویت، شهرهای جدید، نشریه داخلی - تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید شماره ۱۴، صص. ۱۸-۴.
- حبیبی، م. و مقصدی، م. (۱۳۸۱). مرمت شهری، تهران: دانشگاه تهران.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۷). روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات علمی کشور با همکاری کانون فرهنگی انتشاراتی درایت.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه تهران دهخدا، جلد سیزدهم، تهران: دانشگاه تهران.
- حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷). تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص. ۵۰-۳۹.
- سفردوست، احمد (۱۳۸۴). پژوهش در شناخت هویت کالبد شهر رشت، تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲). فضاهاى شهری در بافت‌های تاریخی ایران، چاپ دوم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران.
- شماعی، ع. و پور احمد، ا. (۱۳۸۳). تحلیلی بر سیاست‌ها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری در برنامه‌های توسعه کشور، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۸، دانشگاه تهران، صص. ۲۰۲-۱۷۹.
- شولتز، نوربرگ کریستیان (۱۳۸۳). معماری: معنا و مکان، مترجم: برازجانى، تهران: انتشارات جان جهان.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- کلاتری خلیل‌آباد و پوراحمد، ا. (۱۳۸۴). فنون و تجارب برنامه‌ریزی هویت شهری، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گروتو، یورگ (۱۳۸۹). زیبایی‌شناسی در معماری، مترجم: جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، چاپ سوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- گلکار، کورش (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی صفا، شماره ۳۲، صص. ۶۹-۳۸.
- لینچ، کوین (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر، مترجم: حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ لغات معین، تهران، انتشارات سپهر تهران.
- معین، محمد (۱۳۷۸). گزیده فرهنگ معین، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه.
- Canter D.V., (1977). The Psychology of Place, London, The Architecture Press.
- Eyerman R., (2002). Cultural trauma: Slavery and the Information of African American Identity, Cambridge University Press, Cambridge.
- Halbwacks M., (1980[1950]). The Collective Memory, Translated by Francis JD JV, Vid YP, Reprinted by Harper Colophon Books.
- Gehl J., (1987). Life between Buildings, Van Nostrad Reinhold Press, pp. 1-10.
- Lewicka M., (2008). Place Attachment, Place Identity. And Place Memory: Restoring the Forgotten City Past, Journal of Environmental Psychology, pp. 20-5.
- Montgomery J., (1998). Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design, Urban Design, No. 1, pp. 93-115.
- Norberg-Schulz C., (1997). The Phenomenon of Place, Princeton Architectural Press, New York.
- Oxford (1994). Oxford Learner's Dictionary of Current English, Oxford University Press, New York.
- Punter J., Carmona M., (1997). Design Dimension Of Planning, London.
- Relph E., (1976). Place and Placelessness, Pion Limited, London.
- Tschumi B., (1994). Space and Events, the City Cultures Reader, ed: Molcom Miles, Tim Hall London and New York, Routledge.